

An Analysis of Islamic Awakening on Energy Corridors

Shohreh Pirani*

Mehdi Naderi**, Seyed Saleh Mousavi***

Abstract

Examining the relationship between the oil-based economy and politics and the emergence of public dissatisfaction leading to protest movements can reveal significant points in identifying recent revolutions in the Middle East. One of the main elements that facilitate the world economic development is energy. The threat of the world has paved the way for the development of instability and imbalances in energy supply and demand. Thus, energy resources have a fundamental problem that requires an urgent approach for the nations of the world. A country's energy has become a resource that determines a country's ability to influence the world economic trends, outlines, geopolitics, and international relations. The main question that this research seeks to answer is what effect has the Islamic Awakening had on the flow of energy in the world? The findings showed that so far the Islamic Awakening has caused the least disruption to the oil market because the producers of the Persian Gulf and mainly Saudi Arabia have compensated the losses caused by the oil supply. Economically, the disruptions have been largely limited to the countries involved in Islamic Awakening events and have rarely challenged the energy system of the world. The negative consequences of the Middle East Arab governments dependence on oil revenues and foreign aid have played a major role in the emergence of protest movements leading to the Islamic Awakening. The method used in this research is analytical-descriptive, and the main problem of the research has been investigated in the framework of Gilpin's theory of political economy. Also, the data have been collected based on reliable secondary library and internet document sources.

Keyword: Energy, Islamic Awakening, International Relations, Corridor.

Article Type: Research Article.

Citation: Pirani, Shohreh, Naderi, Mehdi & Mousavi, Seyed Saleh (2022). An Analysis of Islamic Awakening on Energy Corridors, *International Political Economy Studies*, 5 (2), 447-476.

* Assistant Professor of Political Science, Department of Political Science and Islamic Revolution Studies, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran.

** Assistant Professor of Political Science, Department of Political Science and Islamic Revolution Studies, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran.

*** Ph.D Student of Political Studies of the Islamic Revolution, Dept. of Political Sciences and Studies of Islamic Revolution, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran. (Corresponding Author), Salehmousavi111@yahoo.com

International Political Economy Studies, 2022, Vol. 5, Issue 2, pp. 447-476.



Copyright © The Authors
Publisher: Razi University.

تحلیل بیداری اسلامی بر کردورهای انرژی

شهره پیرانی*

مهدی نادری**، سید صالح موسوی***

چکیده

بررسی رابطه میان اقتصاد و سیاست مبتنی بر نفت و بروز نارضایتی عمومی منجر به حرکت‌های اعتراضی، می‌تواند بیانگر نکات قابل توجهی در شناسایی انقلاب‌های اخیر در منطقه خاورمیانه باشد. یکی از عناصر اصلی که توسعه اقتصادی جهان را تسهیل می‌کند، انرژی است. تهدید جهان زمینه‌سازی توسعه ناپایداری و عدم تعادل در عرضه و تقاضای انرژی ایجاد کرده است؛ بنابراین مشکل اساسی نیاز به یک رویکرد اضطراری برای ملت‌های جهان است. انرژی یک کشور به منبعی تبدیل شده است که توانایی کشور را در تأثیرگذاری بر گرایش‌های اقتصادی جهان، خطوط کلی، ژئوپلیتیک و روابط بین‌المللی تعیین می‌کند. پرسش اصلی نوشتار پیش رو این است که بیداری اسلامی چه تأثیری بر جریان انرژی در جهان گذاشته است؟ یافته پژوهش نشان می‌دهد تاکنون بیداری اسلامی حداقل اختلال را در بازار نفت ایجاد کرده است؛ زیرا تولیدکنندگان خلیج فارس و به‌طور عمده عربستان سعودی، خسارات ناشی از عرضه نفت را جبران کرده‌اند. از نظر اقتصادی، اختلالات تا حد زیادی محدود به کشورهای درگیر در رویدادهای بیداری اسلامی بوده است و کمتر سیستم انرژی نظام بین‌المللی را به‌چالش کشیده است. پیامدهای منفی وابستگی دولت‌های عرب خاورمیانه به درآمدهای نفتی و کمک‌های خارجی در بروز حرکت‌های اعتراضی منتهی به جریان بیداری اسلامی نقش عمده‌ای داشته است. روش نوشتار پیش رو، تحلیلی - توصیفی است و در چارچوب نظریه اقتصاد سیاسی گیلین مسئله اصلی پژوهش بررسی شده است؛ همچنین روش گردآوری اطلاعات برپایه منابع اسنادی معتبر ثانویه کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

کلیدواژه‌ها: انرژی، بیداری اسلامی، روابط بین‌الملل، کردور. مطالعات فرهنگی

نوع مقاله: پژوهشی.

* استادیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

** استادیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

*** دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)، Salehmusavi111@yahoo.com

مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۱، دوره پنجم، شماره دوم، ۴۴۷-۴۷۶.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان



۱. مقدمه

بیداری اسلامی معادل عربی الصحوه یا یقظه است از نظر لغوی در برابر خواب قرار دارد هنگامی درمورد کسی مفهوم بیداری به کار می‌رود که مسبوق به خواب و بی‌هوشی باشد. بیداری اسلامی اصطلاحی است که برای بیان جنبشی مبتنی بر آگاهی و عمل سیاسی و بر بنیاد اسلام‌خواهی شکل گرفته است. (مرادپور دهنوی، ۱۳۹۹: ۸۶).

نقطه آغازین مجموعه اعتراضات و راهپیمایی‌ها در خاورمیانه و شمال آفریقا موسوم به بیداری اسلامی کشور تونس بود. جرقه اولین اعتراضات صورت گرفته به تاریخ ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰ به دنبال خودسوزی محمد بوعزیزی در اعتراض به بدرفتاری و فساد حاکم بر پلیس این کشور زده شد (Fahim, 2011: 21).

با موفقیت و به نتیجه رسیدن اعتراضات در تونس موج ناآرامی‌ها الجزایر، اردن، مصر، یمن، بحرین، سوریه و دیگر کشورهای منطقه را دربر گرفت و محرک اعتراضات و تجمعات مشابهی در خارج از منطقه نیز شد. بزرگ‌ترین و سازمان‌یافته‌ترین راهپیمایی‌ها اغلب در روز موسوم به «روز خشم» شکل گرفت (White, 2011: 49).

این تحولات بر بخش اقتصادی این منطقه تأثیر بسیار بالایی گذاشت. به‌گونه‌ای که مهم‌ترین کالای استراتژیک منطقه یعنی نفت را تحت تأثیر قرار گذاشت. پرونده جریان انرژی به ساختار پر نوسانی رسید. به هر حال بیش از پنج دهه است که سفارش نفت جهان متمرکز بر نفت است. خاورمیانه با وجود تلاش‌های بی‌شمار بقیه جهان برای کشف منابع نفت از زمان بحران‌های نفتی ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ همچنان نقش اصلی در شکل‌دادن به نظم نفتی جهان و همچنین قدرت جهانی انرژی را دارد.

با این وجود، از نظر عرضه فیزیکی این منطقه برای بازارهای جهانی نفت بسیار مهم است. این کشورها ۶۱ درصد از ذخایر اثبات‌شده نفت جهان را دارد و ۴۰ درصد از نفت خام تجارت بین‌المللی را صادر می‌کند. اختلال در لیبی (صادرات ۱/۴۴ میلیون بشکه در روز) و یمن (صادرات ۰/۱۲۵ میلیون بشکه در روز) می‌تواند به بازارهای جهانی ضربه بزند. تعدادی از شرکت‌های نفتی بین‌المللی (IOC) عملیات تولید در لیبی را متوقف کرده‌اند.

منطقه منا^۱ شامل برخی از بزرگ‌ترین کشورهای صادرکننده نفت در جهان است که این منطقه ۲۹/۱ میلیون بشکه در روز (یک‌سوم) تولید می‌کند. عرضه جهانی نفت و صادرات نفت آن تقریباً ۴۰ درصد تجارت نفت جهان است. ناآرامی‌های مصر در ماه‌های ژانویه و فوریه نگرانی‌هایی را در مورد اختلال در نفت و گاز طبیعی ایجاد کرد. حرکت بین دریای سرخ و مدیترانه، خطرات ترانزیت را برجسته می‌کرد. آشوب در لیبی، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین صادرکننده نفت بسیار بزرگ‌تر از مصر و ناآرامی‌ها در بحرین افزایش یافت. از ۲ مارس ۲۰۱۱، برآورد میزان تولید نفت کاهش یافته است.

به هر حال مسیر اعتراضات گسترده در سراسر منطقه نشان‌دهنده عدم اطمینان زیادی در مورد ماهیت، قدرت‌ها و سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های استراتژیک نخبگان حاکم جدید در این منطقه است. این وضعیت سیاسی نامشخص می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر آینده روابط بین کشورهای صادرکننده و واردکننده نفت بگذارد. در میان بخش‌های مختلفی که می‌تواند تحت تأثیر فرآیندهای سیاسی جدید ناشی از قیام‌های عربی قرار گیرد، همکاری‌های انرژی منطقه‌ای قطعاً یکی از مهم‌ترین بخش‌ها از نظر استراتژیک است.

در مورد تحولات اخیر خاورمیانه پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است؛ اما طبق بررسی و مطالعاتی که انجام گرفت تمامی این پژوهش‌ها این تحولات را تنها از نقطه نظرات سیاسی مورد بررسی قرار داده بودند و پژوهشی که تأثیر بهار عربی در خاورمیانه را بر اقتصاد و به‌ویژه انرژی که بحث غالب این پژوهش بود را بررسی نماید، یافت نشد. به‌ویژه اینکه پژوهش حاضر بحث تأثیر این رویدادها را در بعد بین‌المللی مورد بحث قرار داده است. شاید مقالاتی در زمینه امنیت انرژی نگارش شده باشد اما این مقالات تنها منطقه‌ای خاص را مورد بررسی قرار داده‌اند و البته با توجه به مطالعاتی که انجام شد بیشترین تأکید این پژوهش‌ها بر روی مسئله نارکو تروریسم بوده تا تحولات ۲۰۱۱ خاورمیانه. به‌عنوان نمونه:

در پژوهشی با عنوان «رویکرد امنیت انرژی اتحادیه اروپایی نسبت به مسئله نارکو تروریسم در آسیای مرکزی» نویسندگان امنیت انرژی اتحادیه اروپایی را در منطقه

آسیای میانه بررسی کرده‌اند و موضوع مقاله حول محور نارکو تروریسم می‌چرخد. این مقاله بحثی از تأثیر تحولات خاورمیانه بر امنیت انرژی بین‌المللی نکرده است.

در پژوهشی دیگر با عنوان «دیپلماسی امنیت انرژی چین در خاورمیانه متأثر از تحولات ۲۰۱۱ (مطالعه موردی سوریه)» نویسندگان به بحث تأثیر تحولات ۲۰۱۱ بر امنیت انرژی تنها چین پرداخته‌اند؛ و جنبه بین‌المللی ندارد. موضوع مقاله به دیپلماسی چین و روابطش با ایران در قبال تأمین امنیت انرژی چین می‌پردازد.

در پژوهشی با عنوان «واکاوی تأثیر ظهور داعش بر وضعیت اقتصاد انرژی در سوریه و اسرائیل» نویسندگان تأثیر داعش بر انرژی سوریه و اسرائیل می‌سنجند و مقاله جنبه بین‌المللی را در نظر نمی‌گیرد. به‌خصوص اینکه مقاله حاضر کشورهای شمال آفریقا از جمله الجزایر و مصر را در دستور کار قرار داده است و این پژوهش تنها کشور سوریه را مورد بحث قرار داده است.

افزون بر این موارد پژوهش‌های بسیاری در رابطه با تحولات ۲۰۱۱ انجام شده که تنها بعد سیاسی و تأثیر این تحولات را بر روابط سیاسی بین کشورها مورد بررسی قرار داده‌اند؛ و هیچ‌کدام از این مقالات به جنبه تأثیر این تحولات بر اقتصاد نظام بین‌الملل نپرداخته‌اند. گرچه پژوهشگران مختلفی به بررسی مفهوم بیداری اسلامی و کریدورهای انرژی پرداخته‌اند اما می‌توان نقطه قوت پژوهش حاضر را در بررسی و تعامل دوجانبه مفهوم بیداری اسلامی به‌عنوان یک رویداد حیاتی و مثمر ثمر در تحولات منطقه خاورمیانه با یک رویداد عرصه اقتصادی همچون کریدورهای انرژی ارزیابی کرد. همان‌طور که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مفهوم بیداری اسلامی در شکل محتوایی خویش سبب اختلال در بازارهای نفتی نشده است و در چارچوب نظریه اقتصاد سیاسی گلپین وجود کشورهای درگیر در جریان این رویداد سبب انتقال و سرآزیری تأثیر آن بر عرصه اقتصادی و رویدادهای برآمده از آن شده است.

۲. پیشینه پژوهش

میرترابی (۱۳۹۶) در کتاب *بیداری اسلامی و اقتصاد سیاسی نفت خاورمیانه* بیان می‌کند پژوهش حاضر تلاش کرده ریشه‌ها و عوامل بروز قیام‌های مردمی در کشورهای عرب

خاورمیانه را با رجوع به ژرف‌ترین مناسبات موجود در جوامع منطقه از منظر اقتصاد سیاسی نفت مورد بررسی قرار دهد. این بررسی، الزاماً در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای صورت پذیرفته است. در واقع این اثر تلاش کرده است تصویری کلان از مختصات اقتصاد سیاسی نفت در خاورمیانه از جنبه‌های مختلف شامل سیر تحولات تاریخی مرتبط، تحلیل شرایط اقتصاد سیاسی نفت در داخل کشورهای منطقه و جایگاه خاورمیانه در معادلات بازار نفت جهان ارائه کند. در عین حال کتاب به رابطه تعاملی تحولات در هر حوزه با پدیده قیام‌های مردمی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا توجه داشته است؛ بنابراین با توجه به رویکرد کتاب در بررسی بنیادی موضوعات مرتبط با اقتصاد سیاسی نفت در خاورمیانه و با عنایت به اهمیت پدیده قیام‌های مردمی در منطقه نفت‌خیز خاورمیانه و شمال آفریقا، این اثر می‌تواند در مطالعه دروس مرتبط با مسائل نفت در رشته‌های علوم سیاسی و مطالعات منطقه‌ای مفید واقع شود.

پوراحمدی و حسینی کرانی (۱۳۸۸) در مقاله «ژئوپلیتیک کشورهای نفتی خلیج فارس و چالش‌های جهانی شدن اقتصاد (ایران، عربستان، کویت، امارات متحده عربی، قطر و عراق)» بیان می‌کنند با توجه به مباحث جهانی شدن اقتصاد از قبیل آزادسازی اقتصادی، تجارت خارجی، سرمایه‌گذاری و تولید و نقل و انتقالات مالی؛ نقش دولت‌های ملی در حال کاهش و مرزهای جغرافیایی کشورها در حال کم‌رنگ شدن است. مقاله حاضر درصدد نشان دادن تأثیر این چالش‌ها بر جایگاه ژئواکونومیک کشورهای منطقه با وجود موقعیت مهم ژئوپلیتیکی آن‌ها هستند. ابتدا جهانی شدن و شاخص‌های آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و رقابت‌پذیری بیان شده است، سپس به اقتصاد سیاسی نفت و ویژگی‌های ساختار اقتصادی و سیاسی کشورهای نفتی خلیج فارس اشاره شده است و در قسمت بعد شاخص‌های جهانی شدن در این کشورها با بهره‌گیری از آمار و ارقام توضیح داده شده و سپس با در نظر گرفتن عملکرد این دولت‌ها در راستای تعامل با جهانی شدن اقتصاد، جایگاه ژئواکونومیک منطقه بررسی شده است.

محمدی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی ارتباط متقابل رشد اقتصادی، مصرف انرژی و توسعه انسانی در کشورهای منتخب حوزه منا (MENA)» بیان می‌کنند توسعه

انسانی یکی از جنبه‌های مهم توسعه در هر کشور است که عوامل متعددی بر آن تأثیر گذارند. در این مطالعه ارتباط متقابل بین رشد اقتصادی، مصرف سرانه انرژی و توسعه انسانی و عوامل مؤثر بر آن‌ها در یک مدل معادلات هم‌زمان داده‌های تابلویی مبتنی بر روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) برای دوازده کشور منتخب منطقه مناطی دوره ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۵ بررسی شد. نتایج نشان می‌دهد که بین رشد اقتصادی، مصرف انرژی و شاخص توسعه انسانی (HDI) کشورهای منتخب رابطه متقابل مثبت و معناداری وجود دارد.

اسلامی و غربی (۱۳۹۷) در مقاله «ژئواکونومی نوین انرژی و پیامدهای آن برای امنیت انرژی جهان» بیان می‌کنند که انرژی یکی از مهم‌ترین پیشران‌های توسعه اقتصادی است. در عرصه مناسبات و رقابت‌های جهانی، برخورداری از منابع انرژی هم ابزار قدرت به‌شمار می‌رود و هم در مواردی به هدف تبدیل می‌شود. منابع انرژی را می‌توان یکی از عوامل مهم ایجاد امنیت و پایدار شدن اقتصادهای جهان دانست. در عین حال انرژی خود نیز تابع و مشمول روندهایی است که می‌تواند امنیت آن را تقویت و یا تضعیف کند. امروزه مفهوم امنیت انرژی همگام با روندهای نوین ژئواکونومی انرژی، ابعاد جدیدی یافته است؛ البته این تحولات در حالی رخ داده که انرژی‌های فسیلی و اشکال متعارف تولید آن، همچنان اصلی‌ترین منابع انرژی جهان است و تغییر جهت بازار مصرف آن به سمت کشورهای در حال توسعه آسیایی، محل عرضه از شرق و مرکز آسیا را به مقصد تقاضای آن یعنی شرق و جنوب آسیا پیوند داده است. پیوندی که امنیت انرژی کشورهای عمده تولیدکننده را تقویت کرده است؛ همچنین هرگونه تحولات در این مناطق بر امنیت انرژی دنیا و در ادامه نابسامانی‌های اقتصادی تأثیر به‌سزایی می‌گذارد.

۳. تعریف مفاهیم

خاورمیانه و شمال آفریقا یکی از مناطق پر تب‌وتاب سیاسی در جهان است. علت این امر را در نگاه کلی می‌توان سابقه تاریخی، حضور و نفوذ استعماری و امپریالیستی، ساختار معیوب سیاسی و اجتماعی، وجود منابع استراتژیک در منطقه و در نهایت، فقر اقتصادی، فرهنگی و شکاف‌های متعدد قومی و دینی دانست. این منطقه در چند سال اخیر شاهد خیزش‌های فراگیر مردمی و اعتراضات گسترده‌ای بوده که تاکنون در این کشورها نظیر

نداشته است و این روند باعث تأثیرات مشهودی بر معادلات انرژی منطقه داشته است.

۳-۱. کریدورهای انرژی

مسئله اصلی پیرامون کریدور انرژی این است که دیدگاه و مفهوم خاصی ندارد، بسیاری از اندیشمندان ایده و مفهوم خود را در مورد کریدور انرژی ارائه کرده‌اند. جیمز مک فرسون^۱ (۲۰۱۳) مفهوم «کریدور انرژی» در داکوتای شمالی را به‌عنوان کریدوری تعریف کرد که می‌تواند نفت، گاز طبیعی، برق و آب را از داکوتای شمالی غربی منتقل کند. براساس تجزیه و تحلیل جهانی انرژی (BP, 2018) انرژی شامل موارد زیر است: برق، گاز طبیعی، زغال سنگ و نفت خام (mirzaei, 2021: 122).

می‌توان گفت که کریدور انرژی گذرگاهی است که شامل یک یا چند مسیر بین دو نقطه است، با حرکت نفت، گاز، برق و زغال سنگ به منطقه تأمین و مصرف انرژی متصل می‌شود. دوما و همکاران (۲۰۰۳) یک رویکرد فضایی را در نظر گرفت و یک راهرو حمل و نقل را به‌عنوان یک منطقه جغرافیایی بین دو نقطه تعریف کرد که مراکز مختلف را به هم متصل می‌کند و افراد و زمان‌ها را جابه‌جا می‌کند. یک راهرو شامل یک یا چند مسیر است که مراکز فعالیت اقتصادی را به هم متصل می‌کند. این مسیرها از سطوح ابعادی تشکیل شده‌اند اما دارای یک نقطه انتقال مشترک هستند که به همان نقطه پایانی متصل است (بانک جهانی، ۲۰۱۵: ۹۴).

۳-۲. بیداری اسلامی

از سال ۲۰۱۰ میلادی تا به امروز مجموعه‌ای بی‌سابقه و در حال جریان از قیام‌ها، راه‌پیمایی‌ها و اعتراضات در کشورهای به‌طور عمده عرب‌نشین شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا صورت گرفته است. دامنه آتشی که محمد بوعزیزی؛ جوان تحصیل‌کرده و دست‌فروش تونس در اعتراض به نظم حاکم بر افروخت و منجر به ثبت او در کهنه کتاب تاریخ خاورمیانه به‌عنوان «شهید آزادی» گردید، به‌سرعت سراسر خاورمیانه را فراگرفت. حاکمان در تونس، مصر، لیبی و یمن از قدرت ساقط شدند. قیام مردمی در بحرین و سوریه

1. James McPherson

فوران کرده است. تظاهرات بزرگ در الجزایر، عراق، اردن، کویت، مغرب و سودان گسترش یافته و اعتراضات جزئی در لبنان، موریتانی، عمان، عربستان سعودی و صحرای غربی رخ داده است (مطلبی، ۱۳۹۹: ۸۴). لازم به ذکر است عوامل متعددی را حول چرایی این حوادث ذکر می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ماهیت استبدادی حکومت‌های عربی، عدم تطبیق قوانین با احکام اسلامی، فاصله طبقاتی، فقر، وابستگی حکام و سردمداران حکومتی به بیگانگان، گسترش فساد و رانت‌خواری و... (ابراهیمی کیایی، ۱۳۹۳).

۳-۳. شرایط ساختاری بازار نفت

مقصود از شرایط ساختاری بازار نفت، مجموعه قواعد و رویه‌هایی است که براساس آن ذخایر نفت در هر دوره تولید و به بازار عرضه شده است. در همین ارتباط، بازار جهانی نفت سه دوره از تحولات ساختاری را پشت سر گذاشته و اکنون در دوره چهارم از نظر این شرایط قرار دارد. شرایط ساختاری بازار نفت، شیوه عملکرد بازیگران نفتی و از جمله دولت‌های تولیدکننده و مصرف‌کننده نفت و شرکت‌های چندملیتی نفتی را در بازار تعیین می‌کند (میرترابی، ۱۳۹۱: ۱۷۷).

۴. چارچوب نظری

تئوری‌های مختلفی برای قدرت‌یابی دولت‌ها وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مبتنی بر اقتصاد سیاسی دولت‌محور است که بنیان‌گذار آن رابرت گیلپین^۱ است. گیلپین بر آن است که اقتصاد قلمرو خلق و توزیع ثروت و سیاست قلمرو قدرت است. البته تأکید می‌کند تمایز میان اقتصاد و سیاست صرفاً تمایزی تحلیلی است و در عالم واقع، ثروت و قدرت در نهایت به هم پیوسته‌اند. تفاوت اصلی از نظر او میان دستاوردهای نسبی و مطلق است و همچنین تأکید دارد که انسان‌ها خود را در درون گروه‌های سیاسی سازمان می‌دهند و به این گروه‌ها وفادارند و این به معنای بروز تعارض میان آن‌هاست (صادقی، ۱۳۹۷: ۱۵).

به نظر گیلپین، باوجود ادعای اقتصاددانان نئوکلاسیک که اقتصاد را علمی همانند فیزیک می‌دانند، اقتصاد در عمل مبتنی بر پیش‌فرض‌های هنجاری مورد قبول اکثر اقتصاددانان است

1. Robert Gilpin

که همین پیش فرض‌ها می‌توانند آثار تحریف‌کننده داشته باشند. یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های تئوریک اقتصاد، بی‌توجهی یا کم‌توجهی آن به نقش دولت است؛ گیلپین در مقابل اقتصاد نئوکلاسیک، از اقتصاد سیاسی دفاع می‌کند که در آن استقلال و خودتنظیمی بازار به نقد کشیده می‌شود و اصول اقتصاد در برابر موانع سیاسی، اجتماعی و روان‌شناختی با محدودیت مواجه می‌گردد. بر این اساس، درک صحیح اقتصاد بین‌الملل، مستلزم توجه به دخالت متغیرهای غیراقتصادی، به‌ویژه متغیرهای سیاست بین‌الملل است. به نظر گیلپین، اگرچه نظم اقتصادی لیبرال باثبات و توأم با همکاری بین‌المللی، ممکن است، اما بدون خواست و حمایت یک هژمون، چنین نظمی در تاریخ اتفاق نیفتاده است. نظم متکی بر هژمون بریتانیا در قرن ۱۹ و هژمونی ایالات متحده در قرن ۲۰، نمونه‌های بارز این قضیه هستند (کریمی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۸).

دو رکن اصلی نظریه‌های گیلپین را دولت‌محوری و ثبات هژمونیک تشکیل می‌دهد. گیلپین اندیشه خود را واقع‌گرایی دولت - محور معرفی می‌کند؛ اما خود را از پیروان والتز و نگرش ساختارگرا نیز می‌داند. از نظر وی هر چند دولت‌ها مهم‌ترین و اصلی‌ترین بازیگران عرصه جهانی چه در حوزه سیاست و چه در حوزه اقتصاد بین‌الملل هستند، اما قواعدی عمومی بر نظام حاکم است که بر رفتارها و جهت‌گیری‌های بازیگران تأثیری تعیین‌کننده دارد (Gilpin, 2001: 18).

تفسیر واقع‌گرایی دولت - محور از امور بین‌الملل، چندین فرضیه اصلی را در رابطه با ماهیت امور بین‌الملل مطرح می‌کند. این دو مفروضه اساسی عبارت هستند از: وضعیت آنارشی و محوریت دولت - ملت‌ها. گیلپین نظام بین‌الملل را آنارشیک فرض می‌کند این تفسیر دولت را در فقدان اقتدار مرکزی به‌عنوان بازیگر اصلی در امور بین‌الملل قلمداد می‌کند. وجود وضعیت آنارشی به این معنی نیست که ویژگی سیاست بین‌الملل به‌وسیله جنگ‌های مداوم و جهانی‌هازی یک نفر علیه همه مشخص شده باشد؛ بلکه دولت‌ها به‌طور آشکار به همکاری با یکدیگر مبادرت می‌ورزند و نهادهایی را در مناطق مختلف ایجاد می‌کنند. در واقع آنارشی به این معنی است که اقتدار بالایی وجود ندارد تا دولت‌ها در

مواقع بحرانی از آن درخواست کمک کنند.

افزون بر این، اگرچه دولت‌ها بازیگران اصلی در امور بین‌الملل هستند؛ واقع‌گرایی بر اهمیت بعضی از بازیگران غیردولتی از قبیل شرکت‌های چندملیتی، نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی در تعیین امور بین‌الملل تأکید می‌کند. با این وجود واقع‌گراها تأکید می‌کنند که دولت‌ها بازیگران اصلی باقی مانده‌اند (Gilpin, 2001: 20).

۵. بیداری اسلامی

جریان بیداری اسلامی با توجه به پیشینه خود جریانی است وامدار تفکر احیاگران مسلمانی که بیداری مسلمین را پاسخی برای عقب‌ماندگی و بازگشت به خود را راهی برای هموار ساختن پیشرفت و احیای عزت مسلمانان می‌دانستند. آن‌ها در برابر استعمار خارجی و استبداد داخلی به احیای ارزش‌های دینی پرداختند.

این جریان دیگر با توجه به خواست‌های نوین مردم منطقه و برخاسته از زمینه فرهنگی و تاریخی خاورمیانه پویا شده است و به‌عنوان متغیری نوین براساس پتانسیل‌های موجود خود بر تحولات جهان غرب اثرگذار است. جریان بیداری اسلامی در مسیر خود در برابر غرب هويت یافت. اگرچه ریشه‌ای داخلی نیز داشت اما در فراز و نشیب خود بیشتر مفاهیم خود را در مقابل اندیشه غرب سامان داد. تقابل این دو جریان فکری در اندیشه متفکران بیداری اسلامی و اصلاح‌گران مسلمان نمود یافت و سامان‌دهنده و انسجام‌بخش ساخت فکری و ذهنی آنان گردید. اندیشه این متفکرین در نکوهش غرب خود را سامان می‌داد و انسجام می‌یافت. (طاهر نژاد، ۱۳۹۵: ۹۸).

مفهوم بنیادین در تحولات جهان عرب که از ۲۰۱۱ کل جوامع اسلامی را درنوردیده، بیداری اسلامی است که ارائه هرگونه تعبیر، تفسیر و تعریف از آن فراتر از قالب‌های سنتی مادی‌گرایانه است. (کریمی، ۱۳۹۳: ۱۱۱). بیداری اسلامی در این مفهوم به جنبش‌هایی با ماهیت اسلامی اطلاق می‌گردد که به تحولات انقلابی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی جوامع مسلمان منتهی گشته است. مراد از اسلامی بودن، بیداری در اینجا، بیش از هر چیز، نشان‌دادن خاستگاه اصلی این بیداری و مؤثرترین عامل شکل‌گیری آن و گرایش حاکم بر

تحلیل بیداری اسلامی بر کریدورهای انرژی (شهره پیرانی، مهدی نادری و سید صالح موسوی) ۴۵۷

توده‌های بیدار شده است و الزاماً به مفهوم تطبیق همه‌جانبه آن با معیارها و ضوابط اسلامی نیست.

باورهای اصلی احیای بیداری اسلامی را به شرح زیر می‌توان برشمرد: اعتقاد به فاصله داشتن جامعه اسلامی از ایدئال‌های اسلام، اعتقاد به ضرورت رجوع به قرآن و سنت جهت درک و استنباط قابلیت‌ها و ظرفیت‌های عظیم نهفته در منابع دینی تلاش برای بازخوانی هویت ملی، فرهنگی یا دینی ازدست‌رفته، افتخار و بزرگ‌نمایی دستاوردهای تمدن اسلامی، احساس کوتاهی نسبت به انجام وظایف اسلامی، اعتقاد به ناکارآمدی دستاوردهای تمدن جدید برای رفع مشکلات بشریت و شکست ایدئولوژی‌های وارداتی. احساس ضرورت برای رسیدن به راه‌حلی دینی برای ایجاد تعامل و تعادل بین سنت و مدرنیته، اعتقاد به تحقیرشدن مسلمانان از سوی غرب (ابراهیمی کیایی، ۱۳۹۳: ۶۸).

۶. انرژی

در عصر کنونی، اقتصاد جهانی با تمام پیچیدگی‌های خود از قبیل جهانی‌شدن، وابستگی متقابل، تأکید بر رقابت‌ها و سبقت‌های بی‌وقفه، بهره‌برداری از مزیت‌های نسبی و...، همچنان به مقوله انرژی نگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا انرژی مرکز ثقل و شالوده توسعه اقتصاد جهانی و بین‌الملل است و از منظری دیگر باید اذعان داشت که انرژی یکی از مهم‌ترین ارکان قدرت به حساب می‌آید؛ چون در دنیای امروز، رشد و توسعه که عوامل اساسی در ایجاد قدرت و متعاقب آن امنیت هستند کاملاً به انرژی وابستگی دارند (ملکی، ۱۳۹۳: ۹۳). انرژی و مباحث مربوط به آن موضوعی پیچیده با ابعاد مختلف است و در حال حاضر به‌عنوان یکی از راهبردی‌ترین مسائل در کانون سیاست‌های ملی و بین‌المللی قرار دارد. بسیاری از موضوعات مرتبط با انرژی از جمله رشد و توسعه اقتصادی، قدرت سیاسی و ابزار سیاست خارجی در قالب دیپلماسی انرژی وجود دارد و در دهه‌های اخیر رویکردهای لیبرالی در زمینه انرژی و مسائل مرتبط با آن در حوزه روابط بین‌الملل نمودهای وسیع و گسترده‌ای داشته است (عسگرخانی، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

انرژی به‌هرمی از فشار تبدیل شده است که بر روابط بین‌المللی و ژئوپلیتیک تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، امنیت انرژی در سراسر جهان حیاتی و مهم پنداشته شده است که

ساخت اضطراری راهرو یا گذرگاه استراتژیک انرژی تاکتیکی را به‌عنوان راهی برای تضمین ایمنی به‌ارمغان می‌آورد؛ و از آن به‌عنوان یکی از عناصر اصلی که توسعه اقتصادی جهان را تسهیل می‌کند و در جهت توسعه ناپایداری و عدم تعادل در عرضه و تقاضای انرژی ایجاد کرده است یاد می‌شود

۷. یافته‌های پژوهش

با توجه به بررسی رویدادهای بیداری اسلامی در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا و روند سعودی و نزولی تولید و فروش و افزایش قیمتی آن در این بازه زمانی در کشورهای هدف که در اوج این تنش‌ها بوده، می‌توان اهمیت آن را به‌طور دقیق بررسی و تأثیر آن را در این بازه بر روی معادلات کلی منطقه مذاقه نمود.

۷-۱. انرژی در منطقه منا (MENA)

غرب آسیا و شمال آفریقا (خاورمیانه) منطقه‌ای است که دارای اقتصادهای غنی از هیدروکربن که از نظر تأمین انرژی و مصرف داخلی به‌شدت وابسته به سوخت‌های فسیلی هستند. همچنین نقش آن در بازار جهانی انرژی از ذخایر بزرگ سوخت فسیلی ناشی می‌شود که بیش از ۵۰ درصد نفت خام جهان و یک‌سوم ذخایر جهانی گاز طبیعی را دربر می‌گیرد (British Petroleum, 2015: 98)؛ بنابراین منابع نفت و گاز طبیعی منبع اصلی درآمد اکثر کشورهای خاورمیانه به‌شمار می‌رود. این منطقه شامل دوازده کشور یعنی بحرین، ایران، عراق، اردن، کویت، لبنان، عمان، قطر، عربستان سعودی، سوریه، امارات متحده عربی و یمن است. از دوازده کشور عربستان، ایران، عراق، کویت، امارات و قطر بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت در منطقه هستند. رشد سریع تولید ناخالص داخلی (GDP) و انفجار جمعیت و تحولات عربی باعث افزایش تقاضای انرژی در کشورهای خاورمیانه شده است. در سال ۲۰۱۴، تقاضای انرژی منطقه ۵ درصد از تقاضای جهانی انرژی را با تقریباً چهار برابر افزایش نسبت به سطح ۱۹۷۰ نشان می‌داد (IEA, 2015: 143). در نتیجه، سهم مصرف انرژی داخلی در کل تولید از ۴ درصد در سال ۱۹۷۱ به ۲۴ درصد در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است (Farzaneh & other 2016: 112). همچنین طبق آخرین برآورد بیشتر تقاضای رو

تحلیل بیداری اسلامی بر کریدورهای انرژی (شهره پیرانی، مهدی نادری و سید صالح موسوی) ۴۵۹

به افزایش عمدتاً از چهار کشور ایران، کویت، عربستان سعودی و امارات متحده عربی (امارات متحده عربی) است، زیرا این چهار کشور به‌تنهایی تقریباً ۷۷ درصد از کل تقاضای انرژی خاورمیانه در سال ۲۰۱۴ را به خود اختصاص داده‌اند.

در حال حاضر طبق آخرین منبع داده‌ها برآوردهای ترکیبی از منابع رسمی اولیه، داده‌های شخص ثالث از دبیرخانه اوپک و همچنین با مصرف بالای انرژی در بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ که به‌سرعت با توجه به اوج رقابت‌های اقتصادهای نوظهور و استفاده از ظرفیت‌های و پتانسیل برای صادرات نیاز مبرم به انرژی‌های فسیلی به‌ویژه نفت به‌شدت دچار افزایش گردیده است و در این راستا شاهد افزایش تقاضای انرژی اولیه با بیش از ۷۰/۳ درصد در سال ۲۰۲۰ در مقایسه با سطح درخواست انرژی ۱۹۸۰ از طرف کشورهای، مثل ایران و عربستان و کویت و عراق و امارات بوده‌اند. با توجه به مصرف و تولید حداکثری در میعانات گازی (نفت خام) تأکید این مقاله بر تأثیر مختص به تولید و صادرات در حوزه نفت خام بین بازه زمانی مورد نظر است.

۲-۷. جداول مربوط به ذخایر میعانات از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ (نفت خام)

جدول ۱. نفت خام و نفت: تولید میعانات گازی در هزار بشکه در روز (بولتن آماری سالانه اوپک ۲۰۲۰):

(۱۰۸)

۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	
۱۷۴۸۹	۱۸۱۳۹	۱۷۳۹۴	۱۵۵۳۶	۱۴۸۷۳	۱۵۵۷۶	۱۴۹۷۶	۱۳۵۰۲	۱۲۳۱۹	۱۱۲۴۱	۱۰۹۱۱	کل آمریکای شمالی
۳۱۹۰	۳۰۰۵	۳۰۹۲	۳۱۱۴	۳۱۷۳	۳۱۸۰	۳۰۴۵	۳۰۴۵	۳۲۰۹	۳۵۲۱	۳۸۶۵	کل اروپا
۱۲۹۶۵	۱۴۱۸۰	۱۴۱۰۴	۱۳۸۳۸	۱۳۶۷۱	۱۳۴۷۸	۱۳۳۷۱	۱۳۴۶۳	۱۳۲۶۳	۱۳۲۶۶	۳۱۷۹	کل CIS
۲۴۳۱۴	۲۶۵۵۹	۲۸۰۶۹	۲۷۷۸۳	۲۸۱۰۴	۲۶۵۲۷	۲۵۱۱۲	۲۴۹۳۳	۲۵۱۴۰	۲۴۸۳۱	۲۲۸۱۳	کل خاورمیانه
۶۴۲۴	۷۹۵۹	۷۷۹۷	۷۶۵۱	۷۱۹۹	۷۶۳۹	۷۴۲	۸۱۵۸	۸۰۰۲	۸۰۸۳	۹۷۵۹	کل آفریقا
۶۸۲۸	۶۹۹۱	۷۰۰۴	۷۱۷۱	۷۴۵۵	۷۸۲۰	۷۶۹۹	۷۶۹۰	۷۷۷۳	۷۷۰۵	۷۸۸۵	کل آسیا و اقیانوسیه

جدول ۲. نفت: مصرف - بشکه (۲۰۱۰-۲۰۲۰) (بولتن آماری سالانه اوپک ۲۰۲۰)

۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	
۲۰۷۷۲	۲۳۷۱۰	۲۳۷۸۴	۲۳۱۸۴	۲۳۰۲۵	۲۲۹۰۶	۲۲۵۱۰	۲۲۴۶۵	۲۲۰۹۳	۲۲۴۶۲	۲۲۷۴۷	کل آمریکای شمالی
۱۲۷۸۸	۱۴۸۲۶	۱۴۹۰۸	۱۴۹۲۹	۱۴۶۱۹	۱۴۳۱۹	۱۳۹۸۰	۱۴۲۲۳	۱۴۳۹۳	۱۴۹۱۴	۱۵۳۴۴	کل اروپا
۴۱۴۹	۴۳۶۷	۴۳۲۰	۴۲۰۵	۴۱۵۶	۴۱۰۲	۴۱۶۵	۴۰۰۸	۳۹۹۱	۳۸۷۳	۳۵۷۸	کل CIS
۸۳۲۱	۹۰۱۱	۸۷۹	۹۰۰	۹۰۰۲	۸۷۳	۸۸۵	۸۶۹۰	۸۵۰۲	۸۱۷۶	۷۷۹۶	کل خاورمیانه
۳۵۵۹	۴۰۹۸	۴۰۴۵	۳۹۵۶	۳۹۰۶	۳۸۷۷	۳۷۴۹	۳۶۹۱	۳۵۵۳	۳۳۸۳	۳۴۶۷	کل آفریقا
۳۳۸۳۴	۳۵۶۹۸	۳۵۳۳۰	۳۴۶۹۰	۳۳۵۲۳	۳۳۳۲۲	۳۰۹۱۱	۳۰۴۲۱	۲۹۸۱۵	۲۸۶۵۸	۲۸۵۰۰	کل آسیا و اقیانوسیه

با توجه به نمودار و جداول ترسیم شده مربوط به تولیدات میعانات گازی (نفت خام) و همچنین مصرف این فرآورده استراتژیک، به‌طور واضح می‌توان رشد محسوس ذخایر نفت خام در کل خاورمیانه و نسبت مصرف این محصول بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ را با توجه به نمودارهای ۱ و ۲ مشاهده نمود.

۳-۷. بیداری اسلامی و تأثیرات آن بر انرژی

شورش‌های اعراب، در اواخر سال ۲۰۱۰ در تونس آغاز شد و در ماه‌های بعد به کشورهای مختلف مدیترانه‌ای سرایت کرد که مجموعه‌ای از تغییرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی چشم‌گیر را در منطقه ایجاد کرده است. در تونس، مصر و لیبی رژیم‌های دیرینه به‌ترتیب به رهبری زین‌العابدین بن علی، حسنی مبارک و معمر قذافی زیر ضربات چکش معترضان سقوط کردند. با این حال فرآیندهای دگرگونی ناشی از اعتراضات، از شکست معاف نبودند، همان‌طور که با دشواری‌هایی که در حال حاضر توسط رهبران جدید در تحکیم کنترل خود بر کشورها و هدایت آن‌ها به سمت حکومت پایدار و توسعه اقتصادی و اقتصادی مرفه آزمایش شده، تأیید شده است (Eyadat, 2012: 167).

مسیر اعتراضات در سراسر منطقه عدم قطعیت زیادی را درمورد ماهیت، قدرت‌ها و سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های استراتژیک نخبگان جدید حاکم بر قدرت در سواحل جنوبی مدیترانه نشان می‌دهد. این وضعیت نامشخص سیاسی خطر جدی برای آینده روابط بین کشورهای شمال آفریقا و شرکای اروپایی آن‌ها دارد. در میان بخش‌های مختلفی که ممکن است تحت تأثیر فرایندهای سیاسی جدید ناشی از خیزش‌های عربی قرار بگیرند، همکاری منطقه‌ای انرژی مطمئناً یکی از مهم‌ترین استراتژیک است (Sartori, 2014: 187).

رژیم‌هایی که قبلاً در آفریقای شمالی قدرت داشتند، روابط دوجانبه قوی و سودآور انرژی با هم‌تایان کلیدی اروپای جنوبی خود برقرار کرده بودند که ثابت کرد می‌تواند ثبات طولانی‌مدت سیاسی و اجتماعی-اقتصادی را در سواحل شمالی و جنوبی مدیترانه ایجاد کند. انرژی منطقه‌ای ناشی از تحولات ناشی از تحولات اعراب این واقعیت که شورش‌ها تاکنون نتایج نامشخص و ناهمگونی از نظر رژیم‌های سیاسی به‌همراه داشته‌اند و منجر به

ایجاد منطقه‌ای آزادتر، دموکراتیک و مرفه در مدیترانه نشده است، همان‌طور که در آغاز شورش‌ها انتظار می‌رفت، این ارزیابی را بسیار دشوار و نامعلوم می‌کند.

نتایج سیاسی ناشی از قیام‌ها بسیار محدود و ناهمگن به نظر می‌رسد که تصور تغییر اساسی در پویایی‌های انرژی سنتی در دریای مدیترانه را نداشته باشیم. ظهور فضایی از دموکراسی، توسعه اقتصادی و اجتماعی پیش‌بینی شده در طول و بلافاصله پس از قیام‌ها هنوز محقق نشده است. در عوض، در کشورهای اصلی تولیدکننده انرژی، شورش‌ها نتایج مشکوک و قابل توجهی متفاوتی به همراه داشته است.

در مصر، نتایج شورش‌ها که در فرایند انتخاباتی به پایان رسید و مرسی^۱ در سال ۲۰۱۲ به قدرت رسید کودتای نظامی به رهبری عبدالفتاح السیسی^۲، وزیر دفاع، رئیس‌جمهور را بدون ریاست جمهوری اعلام کرد و خلأ سیاسی‌ای را ایجاد کرد که توسط دولت موقت حازم البلاوی^۳، نخست‌وزیر مورد حمایت ارتش پر شده بود. در حالی که ثبات‌بخش انرژی کشور به‌عنوان یکی از چالش‌های فوری در دوره پس از شورش‌ها مطرح شده است، به دلیل اولویت مسائل ثبات داخلی - در سال گذشته دولت مصر نتوانست در جهت ایجاد یک سیاست مؤثر در زمینه انرژی، هر دو اقدام داخلی انجام دهد.

اوضاع بغرنج پس از جنگ داخلی ۲۰۱۱ و مرگ سرهنگ قذافی و آزادی کشور توسط شورای انتقالی ملی در اکتبر همان سال، به دلایلی همچون شورش به‌وسیله وفاداران سابق قذافی، تهدیدهای مستمر جدایی توسط مقامات و درگیری بین طایفه‌ها برای کنترل مناطق خاص یا فعالیت‌های اقتصادی، وضعیت در لیبی همچنان بحرانی بوده است. در حقیقت از سال ۲۰۱۱ دولت در تلاش بوده تا وحدت و ثبات را تضمین کند. با توجه به نگرانی‌های امنیتی و مسدود شدن تجارت نفت و گاز در سال ۲۰۱۳، مانع مشهودی برای استراتژی‌های جدید و تدوین شده دولت در حوزه انرژی ایجاد گردید (Sartori, 2014: 55).

برخلاف مصر و لیبی، شورش‌ها در الجزایر نه تغییرات سیاسی قابل ملاحظه‌ای ایجاد کرد و نه بی‌ثباتی و نگرانی‌های امنیتی عمده‌ای را به وجود آورد. از نظر ساختار سیاسی،

1. Morsi
2. AlSisi
3. Lablavy

درواقع، الجزایر کشوری در شمال آفریقا است که کمترین تغییر را در چند سال گذشته تجربه کرده است. با این حال، این واقعیت که رژیم الجزایر از این موج شورش‌ها جان سالم به‌در برد به این معنا نیست که از نظر ذاتی قوی و پایدار است، در حقیقت رژیم به رهبری رئیس‌جمهور بوتفلیقه به‌ویژه از وضعیت بی‌ثباتی در لیبی همسایه نگران بوده که این دومینو به این کشور ورود نداشته باشد (Manfred Weissenbacher, 2012: 86).

با توجه به این تصاویر، افزایش سریع تقاضای انرژی، بهره‌وری پایین انرژی و قیمت پایین انرژی داخلی به دلیل یارانه‌های زیاد مصرف انرژی مشخص می‌شود. همچنین به دلیل رشد سریع جمعیت شهرنشینی و رشد اقتصادی این کشورها تحت فشار شدید برای افزایش سرمایه‌گذاری در تأسیسات جدید انرژی و همچنین تأمین هزینه یارانه‌های پرهزینه انرژی قرار دارند. به‌طور خلاصه، عدم پایداری وضعیت انرژی بعد از بیداری اسلامی خطرات متعددی را برای چشم‌اندازهای توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه به‌همراه داشت (Manfred Hafner & Simone Tagliapietra, 2013: 114).

با توجه به نیاز مبرم و وقایع روی داده اصلاح بخش‌های انرژی در این کشورها، از حیث دو منبع درآمد لازم و نابرابری‌های اقتصادی اجتماعی و با توجه به روندهای اقتصادی جمعیتی آینده منطقه‌ای ضروری است (Hyde, 2014: 153). دولت الجزایر به‌شدت تلاش می‌کند تا گزینه‌های صادراتی خود را برای مقابله با کاهش تقاضای انرژی در بازارهای اتحادیه اروپا متنوع کند. رژیم وضوح علاقه خود را به کاوش در بازارهای جدید ابراز کرده و در نظر دارد فروش LNG را در آسیا گسترش دهد، جایی که قیمت‌های محلی به‌طور قابل توجهی بیشتر از اروپا و آمریکای جنوبی است (Rousseau, 2011: 128).

در پایان، با توجه به حوادث و جریان‌ات روی داده در شمال آفریقا، انتظار اینکه تنها نتایج قیام‌های عرب بتواند نقش مهمی در تعیین تحولات مهم در روابط انرژی منطقه‌ای داشته باشد، بسیار دشوار است. با این حال با توجه به روندهای نوظهور انرژی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی، برخی از فرایندهای سیاسی و اجتماعی فعال‌شده توسط شورش‌ها ممکن است به تغییر پارادایم‌های همکاری سنتی کمک کند. در این زمینه در حال تحول،

تحلیل بیداری اسلامی بر کریدورهای انرژی (شهره پیرانی، مهدی نادری و سید صالح موسوی) ۴۶۳

اتحادیه اروپا می‌تواند از فرصت استفاده کرده و گفتگوی انرژی خود را با این کشورها عمیق‌تر کرده و سیاست‌های امنیت انرژی خود را تقویت کند.

با این حال اگر با انسجام ایفا نشود و توسط کشورهای عضو حمایت نشود، چنین نقش اصلی در منطقه ممکن است با ظهور بالقوه رقبای جدید بین‌المللی انرژی در فضای مدیترانه به چالش کشیده شود (Coats, 2012: 176). رویدادهای اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا که بسیاری آن را «بهار عربی» لقب داده‌اند، پیامدهای مهمی برای بازارهای بین‌المللی نفت داشته است. از زمان آغاز اعتراضات در تونس، قیمت نفت (از ۹۴/۹۰ دلار) آمریکا در ۴ ژانویه به ۱۲۰ دلار در هر بشکه در این هفته افزایش یافته است. این در حالی است که تاکنون هیچ تأثیر واقعی بر عرضه نداشته است (Stevens, 2011: 78).

جدول ۳. نفت تولید به هزار بشکه در روز (کشورهای عضو اوپک و کشورهای درگیر در بیداری اسلامی)

هزار بشکه در روز	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰
ونزوئلا	۲۸۴۲	۲۷۵۵	۲۷۰۴	۲۶۸۰	۲۶۹۲	۲۶۳۱	۲۳۴۷	۲۰۹۶	۱۴۷۵	۹۱۸	۵۴۰
ایران	۴۴۲۱	۴۴۵۲	۳۸۱۰	۳۶۰۹	۳۷۱۴	۳۸۵۳	۴۵۷۸	۴۸۵۴	۴۶۰۸	۳۳۹۹	۳۰۸۴
عراق	۲۴۶۹	۲۷۷۳	۳۰۷۹	۳۰۹۹	۳۲۳۹	۳۹۸۶	۴۴۲۳	۴۵۳۸	۴۶۳۲	۴۷۷۹	۴۱۱۴
کویت	۲۵۶۴	۲۹۱۸	۳۱۷۳	۳۱۳۴	۳۱۰۶	۳۰۶۹	۳۱۵۰	۳۰۰۹	۳۰۵۰	۲۹۷۶	۲۶۸۶
عمان	۸۶۵	۸۸۵	۹۱۸	۹۴۲	۹۴۳	۹۸۱	۱۰۰۴	۹۷۱	۹۷۸	۹۷۱	۹۵۱
قطر	۱۶۳۰	۱۸۲۴	۱۹۲۸	۱۹۹۱	۱۹۷۵	۱۹۳۳	۱۹۳۸	۱۸۸۲	۱۸۹۸	۱۸۶۳	۱۸۰۹
عربستان سعودی	۹۸۶۵	۱۱۰۷۹	۱۱۶۲۲	۱۱۳۹۳	۱۱۵۱۹	۱۱۹۹۸	۱۲۴۰۶	۱۱۸۹۲	۱۲۲۶۱	۱۱۸۳۲	۱۱۰۳۹
سوریه	۳۸۵	۳۵۳	۱۷۱	۵۹	۳۳	۲۷	۲۵	۲۵	۲۴	۳۴	۴۳
ایالات متحده عربی	۲۹۳۷	۳۳۰۰	۳۴۲۵	۳۵۶۶	۳۶۰۳	۳۸۹۸	۴۰۳۸	۳۹۱۰	۳۹۱۲	۳۹۹۹	۳۶۵۷
یمن	۳۰۶	۲۲۰	۱۷۸	۱۹۷	۱۵۳	۶۳	۴۳	۷۱	۹۴	۹۵	۹۵
الجزایر	۱۶۸۹	۱۶۴۲	۱۵۳۷	۱۴۸۵	۱۵۸۹	۱۵۵۸	۱۵۷۷	۱۵۴۰	۱۵۱۱	۱۴۸۷	۱۳۳۲
آنگولا	۱۸۱۲	۱۶۷۰	۱۷۳۴	۱۷۳۸	۱۷۰۱	۱۷۹۶	۱۷۴۵	۱۶۷۱	۱۵۱۹	۱۴۲۰	۱۳۲۴
مصر	۷۲۵	۷۱۴	۷۱۵	۷۱۰	۷۱۴	۷۲۶	۶۹۱	۶۶۰	۶۷۴	۶۵۳	۶۱۶
گینه استوایی	۳۰۶	۳۰۱	۳۲۰	۲۸۲	۲۸۴	۲۶۰	۲۲۳	۱۹۵	۱۷۶	۱۶۰	۱۶۱
لیبی	۱۷۹۹	۵۱۶	۱۵۳۹	۱۰۴۸	۵۱۸	۴۳۷	۴۱۲	۹۲۹	۱۱۶۵	۱۳۰۶	۳۹۰
نیجریه	۲۵۳۳	۲۴۶۱	۲۴۱۲	۲۲۷۹	۲۲۷۶	۲۲۰۱	۱۹۰۰	۱۹۶۹	۲۰۰۷	۲۱۰۲	۱۷۹۸
تونس	۸۳	۷۷	۸۲	۷۶	۷۱	۶۴	۶۰	۴۸	۵۲	۴۲	۳۶

(مجله بررسی آماری انرژی جهانی ۲۰۲۱: ۸۹)

۸. تجزیه و تحلیل تولید نفت خام کشورهای هدف در بیدار اسلامی

نفت: تولید به هزار بشکه در روز (شامل کشورهای عضو اوپک و کشورهای درگیر در

بیداری اسلامی)

با توجه به روند بیداری اسلامی و تأثیر آن بر افزایش و یا کاهش صادرات در بازه زمانی وقوع این جریان‌ها در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، به‌منزله تأمین انرژی و امنیت، یکی از دغدغه‌های اساسی کشورهای درگرو مناسبات تأمین انرژی کافی برای مصارف صنعتی و خانگی و نظامی خود بوده‌اند. با توجه به رقابت‌های اقتصادی نوظهور در قاره‌های مختلف، اهمیت انرژی به‌ویژه نفت خام از حساسیت‌های زیادی برخوردار بوده است. از این رو با توجه به ظرفیت‌های تثبیت‌شده میعانات انرژی (نفت) از یک‌سو، هم برای کشورهای تولیدکننده و صادرکننده این محصول و هم برای کشورهای واردکننده از اهمیت زیادی برخوردار بوده و هرگونه رویدادهای غیرمنتظره منطقه‌ای و فرامنطقه با توجه به دامنه تحولات تأثیراتی را در این روند به‌دنبال داشته است.

با توجه به اینکه بخش مهمی از کشورهای صادرکننده نفت در خاورمیانه و شمال آفریقا متمرکز بوده‌اند، می‌توان با توجه به وقوع بیداری اسلامی و روند تولید منابع انرژی (نفت خام) در کشورهایی که حکومت آن در این جریان به نحوی درگیر و یا فروپاشید، تحلیلی را برحسب نمودار ۳ مستخرج شده از جدیدترین مجله بررسی آماری انرژی جهانی ۲۰۲۱ ارائه نمود. با توجه به تولید روزانه نفت خام در کشورهای تونس، مصر و لیبی، می‌توان این‌طور عنوان داشت که کشور تونس با توجه به تولید بسیار ضعیف در بین بازه زمانی بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ هیچ‌گونه تغییری در روند تولید آن کشور به‌وجود نیامده و از طرفی کشور لیبی در اوج بیداری اسلامی با توجه به تولید بیش از یک‌میلیون هشتصد هزار بشکه نفت خام در مشابه سال بعد در سال ۲۰۱۱ نزدیک به ۷۵ درصد از تولید این کشور (۵۵۰ هزار بشکه) تنزل داشته است، همچنین روند کاهش تولید این کشور در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به‌ترتیب حدود ۹۰ و ۴۵ درصد افزایش و این روند با توجه به اختلافات عدیده و نزاع داخلی و حضور نیروهای خارجی در کشور لیبی و ناآرامی‌های آشکار تا آخرین بازه زمانی در سال ۲۰۲۰ به کمترین میزان در طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ رسیده است.

در این میان کشورهای یمن و سوریه هم با توجه به موج ناآرامی‌ها و خسارات زیان‌بار

تحلیل بیداری اسلامی بر کریدورهای انرژی (شهره پیرانی، مهدی نادری و سید صالح موسوی) ۴۶۵

در اقصی نقاط جغرافیایی کشور و بعضاً تحریم‌های مختص با صادرات محصولات نفتی با شیب نسبتاً ملایم‌تری از سال ۲۰۱۱ تا به امروز و به صورت نزولی در تولیدات نفت خام شده است. در این میان تنها کشورهای امارات متحده عربی و عربستان سعودی با توجه به ناآرامی‌هایی که از موج بیداری اسلامی در این دو کشور روی داده بود، موفق به مهار آن با اجرای اصلاحات بعضی از قوانین اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و حمایت‌های مستقیم و غیر مستقیم آمریکا به منظور تأمین امنیت انرژی و تداوم جریان انرژی خاورمیانه به سایر نقاط جهان شده است. همچنین رشد تولید سالانه این دو کشور در اوج ناآرامی‌ها در منطقه و همسایگی و به‌ویژه در محدوده جغرافیای داخلی بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ در حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد افزایش تولید داشته‌اند.

۹. تجزیه تحلیل صادرات نفت خام کشورهای هدف در بیدار اسلامی

اعم صادرکنندگان میعانات گازی (نفت خام) در کل خاورمیانه و شمال آفریقا در بحبوحه موج بیداری اسلامی با توجه به درگیری‌های مستقیم و غیر مستقیم، تأثیر نسبتاً ملموس و بعضاً قابل توجهی را از این بحران برخوردار بودند. جدول ۴. متوسط صادرات نفت برحسب منطقه

(هزار بشکه خام در روز)

منطقه	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶
جهان	۴۱۱۵۹	۴۱۸۹۱	۴۱۷۱۸	۴۰۶۳۹	۴۰۳۱۱	۴۱۶۸۸	۴۴۱۷۵
آسیا و اقیانوسیه	۱۵۶۵	۱۳۲۰	۱۲۳۹	۱۱۳۱	۱۲۰۰	۱۳۲۴	۱۳۵۶
آفریقا	۷۳۵	۷۴۵۰	۶۹۹۴	۶۵۲۲	۶۰۵۴	۶۲۰۲	۶۷۴۷
آمریکای شمالی	۱۵۲۰	۱۶۸۰	۱۸۲۴	۲۱۹۳	۲۶۲۷	۲۷۶۶	۳۲۶۲
آمریکای لاتین	۴۶۲۴	۴۵۳۶	۴۵۷۸	۴۳۸۳	۴۹۴۵	۵۲۱۳	۵۱۲۲
اروپای شرقی	۷۲۷۳	۷۱۰۰	۶۹۶۸	۶۹۴۳	۶۸۰۰	۷۱۹۷	۷۳۸۲
اروپای غربی	۲۵۵۵	۲۳۵۵	۲۰۳۸	۱۹۶۹	۱۸۹۲	۱۹۴۹	۲۰۹۶
خاورمیانه	۱۵۹۸۸	۱۷۴۵۰	۱۸۰۷۷	۱۷۴۹۷	۱۶۷۹۳	۱۷۰۳۷	۱۹۲۱۱

(سازمان کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت (اوپک). (ر.پ). ۲۰۲۱: ۱۲۳)

با توجه به جدول ۴ می‌توان عنوان داشت، خاورمیانه سهم به‌سزا و قابل توجهی را (حدود ۳۵ درصد) بین بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶، در صادرات نفت به کشورهای صنعتی و

در حال توسعه داشته است، همچنین این روند تا سال ۲۰۲۱ هم به صورت رشد صعودی در حال جریان است. با توجه به این با بررسی صادرات کشورهای هدف در موج بیداری اسلامی می‌توان به افزایش و کاهش و جایگزینی این منابع با توجه به اهمیت این کالای استراتژیکی پی برد.

جدول ۵. متوسط صادرات^(۱) نفت خام در کشورهای هدف (درگیر با موج بیداری اسلامی) (هزار بشکه در روز)

کشور	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶
امارات متحده عربی	۲۱۹۵	۲۱۰۴	۲۴۴۵	۲۷۰۱	۲۴۹۷	۲۴۴۲	۲۴۰۸
یمن	۲۴۵	۲۵۰	۲۲۴	۲۰۸	۲۰۷	۲۰۶	۲۰۵
عراق	۱۴۷۲	۱۸۹۰	۲۴۲۳	۲۳۹۰	۲۵۱۶	۳۰۰۵	۳۸۰۴
عربستان سعودی	۷۲۰۹	۶۶۴۴	۷۵۵۷	۷۵۷۱	۷۱۵۴	۷۱۶۳	۷۴۶۳
تونس	۸۸	۷۸	۷۳	۹۰	۷۸	۷۲	۸۴
کویت	۱۶۵۱	۱۴۳۰	۲۰۷۰	۲۰۵۹	۱۹۹۵	۱۹۶۴	۲۱۲۸
لیبی، جماهیر عربی	۱۳۰۶	۱۱۱۸	۹۶۲	۵۸۹	۳۱۹	۳۶۲	۲۵۵
مصر	۶۸۰	۷۲۰	۶۵۰	۶۲۰	۵۷۰	۵۱۵	۳۵۵
سوریه	۲۴۷	۲۳۶	۲۳۸	۲۲۷	۲۴۵	۲۷۰	۲۸۹

(سازمان کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت (اوپک). (ر.پ) ۲۰۲۱: ۱۲۲۸)

با توجه به جدول ۵، بین بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ در بدو شروع موج بیداری اسلامی و با در نظر گرفتن اهمیت صادرات کشورهای رانیر و کسب درآمدهای ارزی، در کشور لیبی تنزل صعودی ۱۰ تا ۷۰ درصدی در این بازه زمانی روی داده است که در مقایسه با کشورهای درگیر با این موج نمو بیشتری داشته است. همچنین کشور مصر با نوسان ۵ درصدی بین سال‌های ۲۰۱۱ زمان شروع موج بیداری اسلامی در این کشور تا ۲۰۱۲ تنزل ۵ درصد داشته و در ادامه شاهد کاهش بسیار تدریجی به این منوال طی سال‌های متوالی تا ۲۰۱۶ بوده است. در حال حاضر هم رشد نسبتاً مطلوبی را با توجه به شرایط کنونی تا سال ۲۰۲۰ داشته است. مابقی کشورهای هدف در نمودار شماره ۵ نیز کاهش و یا افزایش بسیار نامحسوس در روند صادرات نفت خام داشته‌اند. در نتیجه خلأ وجودی از کمبود صادرات نفت خام و جایگزینی و پوشش آن از جانب هیچ کشور در حد مطلوب طبق جدول بازه زمانی ترسیم شده رخ نداده است.

۹. افزایش قیمت بعد از ناآرامی‌ها

عربستان سعودی و کویت به‌طور علنی پیشنهاد کردند که هرگونه کسری از لیبی را جبران کنند و اختلال در استفاده از ظرفیت تولید مازاد نفت آن‌ها و داده‌های صنعت نشان می‌دهد که عربستان سعودی تولید خود را حدود ۴۰۰۰۰۰ بشکه در روز افزایش داده است؛ اما برخی معتقدند که حجم زیاد تولید نفت توسط عربستان سعودی ممکن است از کیفیت پایین‌تری (سنگین‌تر و دارای گوگرد بیشتر) نسبت به نفت خام لیبی برخوردار باشد.

جدول ۶. قیمت‌های نفت خام

US dollars per barrel	Dubai \$/bbl *	Brent \$/bbl†	Nigerian Forcados \$/bbl	West Texas Intermediate \$/bbl‡
۲۰۰۹	۶۱/۱۴	۶۱/۶۷	۶۳/۳۵	۶۱/۹۲
۲۰۱۰	۷۷/۷۸	۷۹/۵۰	۸۱/۰۵	۷۹/۴۵
۲۰۱۱	۱۰۵/۹۳	۱۱۱/۲۶	۱۱۳/۶۵	۹۵/۰۴
۲۰۱۲	۱۰۹/۰۶	۱۱۱/۶۷	۱۱۴/۲۱	۹۴/۱۳
۲۰۱۳	۱۰۵/۴۷	۱۰۸/۶۶	۱۱۱/۹۵	۹۷/۹۹
۲۰۱۴	۹۷/۰۲	۹۸/۹۵	۱۰۱/۳۵	۹۳/۲۸
۲۰۱۵	۵۱/۲۲	۵۲/۳۹	۵۴/۴۱	۴۸/۷۱
۲۰۱۶	۴۱/۰۲	۴۳/۷۳	۴۴/۵۴	۴۳/۳۴
۲۰۱۷	۵۳/۰۲	۵۴/۱۹	۵۴/۳۱	۵۰/۷۹
۲۰۱۸	۷۰/۱۵	۷۱/۳۱	۷۲/۴۷	۶۵/۲۰
۲۰۱۹	۶۳/۷۱	۶۴/۲۱	۶۴/۹۵	۵۷/۰۳
۲۰۲۰	۴۲/۴۱	۴۱/۸۴	۴۲/۳۱	۳۹/۲۵

(گردآوری داده‌ها: مرکز تحقیقات و سیاست اقتصاد انرژی دانشگاه هریوت وات ۲۰۲۰: ۱۱۹)

با توجه به قیمت حامل انرژی (نفت خام) در بازه زمانی بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ می‌توان با توجه به اوج بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، در بدو شروع این جریان فراگیر و دومینوار، قیمت حامل سوخت (نفت خام) در سال ۲۰۱۰ تقریباً ۷۸ دلار در کمتر از یک سال با رشد ۳۰ درصدی مواجه و این روند تا چند سال متوالی و فروکش شدن بحران‌های منطقه‌ای ادامه‌دار بوده است. همچنین در ادامه شاهد رشد ناگهانی و کاهش ۴۵ درصدی نفت خام در بازه زمانی سال ۲۰۱۴ میلادی بوده و این نوسان قیمت‌ها تا چند سال متمادی با فراز و فرودهای کاهشی و افزایش ۳ تا ۷ درصدی روبه‌رو

بوده است. در نتیجه برخلاف تأثیر بیداری اسلامی در تولید و به‌ویژه صادرات کشورهای هدف شاهد افزایش شدید قیمت‌ها در بازه زمانی مورد نظر در سطح جهانی بوده که این امر بیانگر تأثیر حاصل از این بحران بیداری اسلامی که در کشورهای نفت‌خیز واقع شده است.

۱۰. آینده سیاست‌های انرژی بعد از ۲۰۱۰

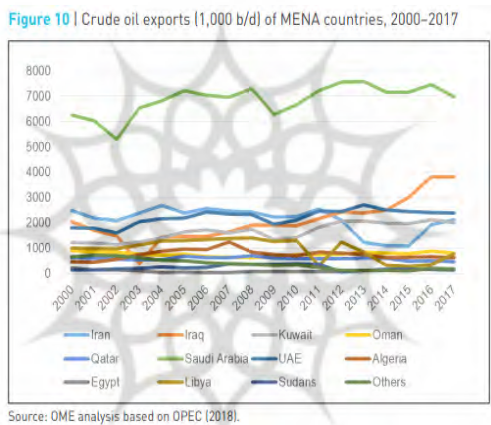
به‌طور کلی، تقاضا برای انرژی جهانی همچنان با نرخ‌های مختلف در سطح منطقه در حال افزایش است، تقاضا در کشورها اتحادیه اروپا، ایالات متحده و دیگر کشورهای صنعتی یا در حال تثبیت هستند یا در هر حال کاهش، در حالی که تقاضا در کشورهای دیگر، یعنی چین، هند و دیگر کشورهای آسیایی افزایش چشم‌گیری را نشان می‌دهد به‌طور کلی، تقاضای انرژی در کشورها خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) نیز بعد از بیداری اسلامی افزایش یافت (BP, 2017: 123).

با این حال، تفاوت‌های قابل توجهی را می‌توان بین کشورهای واردکننده و صادرکننده انرژی با توجه به موقعیت جغرافیایی آن‌ها، فراوانی ذخایر سوخت‌های فسیلی در چندین کشور MENA، زیرساخت‌های موجود و روابط سیاسی تاریخی، در نظم جهانی انرژی جای گرفته‌اند و مشارکت داشته‌اند مشاهده کرد.

با این حال تا حدی شکل‌دهی تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اخیر با نوآوری‌های مهم فناوری در بازارهای انرژی همراه بود که توجه را از ذخایر انرژی فسیلی در منطقه MENA، نقش سنتی MENA را به چالش می‌کشد. تقاضای جهانی انرژی در سال ۲۰۱۵ بالغ بر ۱۴ گیگاتون معادل نفت (Gtoe) با متوسط سالانه بود و از سال ۱۹۹۰، ۱/۸ درصد در سال افزایش می‌یابد. دو بازار اصلی انرژی در پشت این افزایش تقاضا عمدتاً چین و هند قرار دارند. از سوی دیگر، آمریکا و اتحادیه اروپا نیز روند نزولی را طی می‌کنند. آمریکا، اتحادیه اروپا، هند و چین در مجموع ۵۶ درصد از کل انرژی اولیه تقاضا در سال ۲۰۱۵ را به خود اختصاص داده‌اند بنابراین، هرگونه تغییر در سیستم‌های انرژی این بازارهای عمده، چین به‌طور خاص، پیامدهای گسترده‌تری برای سیستم انرژی در سراسر

جهان خواهد داشت.

فراوانی ذخایر نفت و حجم تولید به این معناست که منطقه برای بازی مناسب است و اینکه این منطقه نقش کلیدی در بازارهای جهانی نفت دارد. تجارت جهانی نفت خام به حدود ۴۴/۷۵ میلیارد بشکه در سال ۲۰۱۷ در روز رسید (اوپک، ۲۰۱۸) و منطقه حدود ۴۵ درصد از این عرضه را به خود اختصاص داده است. در حالی که در آمریکای شمالی روند نزولی واردات نفت خام از منطقه، واردات توسط اروپا مشاهده شده است و نقش منطقه آسیا و اقیانوسیه (دومین بزرگ‌ترین واردکننده نفت خام MENA است) در این کشور افزایش یافته است (Menichetti & Other, 2018: 211).



شکل ۱. کشورهای منا ۲۰۱۷-۲۰۰۰

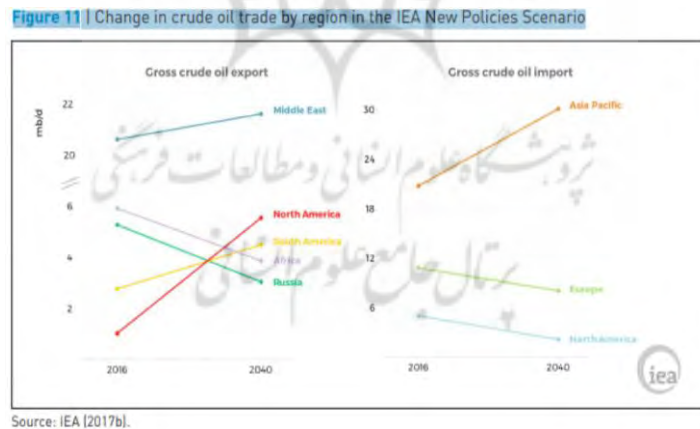
اگر تقاضای روزافزون انرژی داخلی تثبیت شود، منطقه MENA می‌تواند به بازی خود ادامه دهد. این منطقه نقش کلیدی در بازارهای جهانی نفت دارد، زیرا انتظار می‌رود نفت بیشترین سهم را در کل تقاضای انرژی اولیه داشته باشد. با وجود تأثیر تحرک الکتریکی، انتظار می‌رود تقاضای نفت همچنان حداقل تا سال ۲۰۲۵ افزایش یابد. از طرف دیگر عرضه، با افزایش نقش آمریکا در جهان بازارهای نفت این کشور، ۸۰ درصد از افزایش عرضه نفت جهان تا سال ۲۰۲۵ (با ایالات متحده) را تشکیل می‌دهند.

آمریکای شمالی دومین کشور بزرگ در زمینه تبدیل شدن به یک صادرکننده خالص نفت در اواخر سال (۲۰۲۰) بود و مهم‌ترین تأمین‌کننده نفت خام تا سال ۲۰۴۰ است. همچنین

پس از تثبیت نفت آمریکا و کاهش تولید خارج از اوپک در اواخر سال ۲۰۲۰، نفت اوپک برای ایجاد تعادل در بازار مورد نیاز است مقدار کمی رشد کرد. با این حال، به دلیل افزایش مصرف داخلی، صادرات نفت خام خاورمیانه گسترش ظرفیت‌های پالایشی آن در داخل و خارج منطقه (بیش از ۴ مگابایت در روز) ظرفیت خالص تأمین مالی تا سال ۲۰۴۰ پیش‌بینی می‌شود که خاورمیانه را نه تنها صادرکننده بزرگ‌ترین نفت خام خواهد کرد، بلکه بزرگ‌ترین صادرکننده محصولات نفتی (صادرات فرآورده‌های نفتی) را تا دوسوم تا سال ۲۰۴۰ افزایش خواهد یافت که بیشتر آن به بازارهای آسیایی منتقل می‌شود.

با وجود افزایش تولید نفت خام به میزان ۴/۵ میلیون بشکه در روز، اما به صورت اضافه بر تولید تا سال ۲۰۴۰ در دسترس خواهد بود (IEA, b2017: 121).

از نظر تقاضا تغییر در جریان تجارت، چشم‌انداز بازارهای جهانی نفت را شکل می‌دهد. آسیا و اقیانوسیه با ۹ میلیون بشکه در روز بیشترین رشد تقاضای نفت را بین ۲۰۱۶ تا ۲۰۴۰، با افزایش رسیدن به ۳۰ میلیون بشکه در روز، عمدتاً توسط چین و هند و همچنین جنوب شرقی آسیا ۶۷ درصد از کل واردات نفت خام در اروپا و آمریکای شمالی اشتهای کمتری برای نفت پیش‌بینی می‌شود (IEA, 2018: 99).



شکل ۲. تغییر در تجارت نفت خام به تفکیک منطقه در سناریوی سیاست‌های جدید

۱۱. پیش‌بینی تحولات آتی

در رابطه با آینده این موضوع و سناریویی که می‌توان برای آن پیش‌بینی کرد نقش مؤثر

اوپک در بازار انرژی بین‌الملل مهم است. با توجه به اهمیت حیاتی و راهبردی نفت خام برای رشد پایدار اقتصاد جهانی و رفع تهدیدات حاصله از روند فزاینده کاهش سطح منابع قابل دسترس نفت، نقش اوپک و کشورهای عضو آن به‌طور فزاینده در نقشه راهبردی انرژی جهان در حال افزایش است و این سازمان به‌منظور تصمیم‌گیری در مورد سطح عرضه نفت و به تبع آن تعیین قیمت جهانی آن به بازیگر مهمی در صحنه بین‌المللی تبدیل شده است. در نتیجه، امروزه اوپک همگام با هر یک از دول عضو آن برای هنجارسازی حقوقی در حوزه نفت دارای قابلیت تأثیرگذاری و چانه‌زنی بیشتری نسبت به سازمان تجارت جهانی است؛ تا جایی که گفته می‌شود یکی از مهم‌ترین چالش‌های سازمان تجارت جهانی برای حاکمیت جهانی بر حوزه نفت به این حقیقت بستگی دارد که بخش قابل ملاحظه‌ای از هنجارسازی‌های مربوط به حوزه نفت در خارج از این سازمان و به‌ویژه توسط اوپک و کشورهای عضو آن صورت می‌گیرد.

بدیهی است روابط بین کشورهای عضو اوپک در تأمین انرژی جهانی نقش به‌سزایی دارد. در واقع هرگونه هم‌گرایی و واگرایی این کشورها تأثیر مستقیمی بر عملکرد اوپک و در نتیجه تأمین انرژی خواهد گذاشت. سناریویی که برای آن می‌توان پیش‌بینی نمود این است که روند فعلی همچنان ادامه خواهد داشت و فرضیه پژوهش قوت بیشتری خواهد گرفت. چراکه در حال حاضر تحت تأثیر تحولات بهار عربی و موضع‌گیری متفاوت دو کشور ایران و عربستان به‌عنوان تولیدکنندگان بزرگ اوپک در برابر این تحولات شاهد جهت‌گیری متفاوتی در سیاست خارجی آن‌ها و در نتیجه واگرایی بیشتری در روابط آن‌ها خواهیم بود. از طرفی دیگر ذخایر عظیم نفتی، تولید فراوان و تلاش برای ثبات قیمت آن و نقش عربستان به‌عنوان تولیدکننده شناور و ثبات‌دهنده در بازار جهانی نفت این کشور را به متحدی راهبردی برای ایالات متحده تبدیل کرده است؛ زیرا حفظ امنیت ساختار سیاسی موجود عربستان یکی از اولویت‌های حفظ منافع حیاتی واشنگتن است؛ البته جایگاه عربستان در جهان عرب و جهان اسلام نیز در رویکرد راهبردی امریکا نسبت به عربستان مهم تلقی می‌شود. در همین زمینه «مضاوی الرشید» اندیشمند عربستانی می‌نویسد: «هسته محاسبات استراتژیک واشنگتن و لندن در مورد عربستان سعودی با واقع‌گرایی و عمل‌گرایی

بر این نکته تأکید دارد که جایگزینی مناسب برای رژیم سعودی وجود ندارد. منطق سیاست غربی، پشتیبانی پیوسته از نخبگان سعودی و تضمین ثبات آن کشور است. «غرب بی‌توجه به شیوه حکمرانی آل سعود، برای حفظ موقعیت ژئواکونومیکی عربستان، ثبات بازار و امنیت انرژی، راهبرد حمایت از ریاض را در دستور کار خود قرار داده است. این تعارضات تنها به عربستان ختم نمی‌شود بلکه دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را که از تولیدکنندگان نفت هستند متأثر ساخته است و کشورهای مذکور با دنباله‌روی از سیاست‌های عربستان به عرضه نفت پرداخته‌اند.

در مورد کشورهای صادرکننده نفت در خاورمیانه و شمال آفریقا باید گفت به دلیل وابستگی شدید این کشورها به درآمدهای نفتی دور از نظر است که اقتصاد این کشورها از حالت تک‌بعدی خارج شده و به تولید و صدور دیگر محصولات روی آورند و روند صدور نفت از جانب این کشورها همچنان ادامه خواهد داشت.

از سوی دیگر همچنان که در بالا در مورد عربستان ذکر شد این کشورها به دنبال ارتباط گرفتن با کشورهای غرب هستند. همچنان که شاهد رابطه نزدیک عربستان و آمریکا هستیم؛ و یا اینکه به تازگی و در این برهه زمانی شاهد برقراری روابط الجزایر و فرانسه و ایجاد پیمان‌های اقتصادی بین این دو هستیم که نفت نیز در این رابطه نقش مهمی ایفا می‌کند؛ بنابراین با توجه به شرایط کنونی پر واضح است که روند تولید نفت خاورمیانه در آینده نیز همچنان در سطح بالای خود قرار دارد و تحولات ۲۰۱۱ چالشی برای نظام بین‌الملل ایجاد نخواهد کرد.

نتیجه‌گیری

پیامدهای منفی وابستگی دولت‌های عرب خاورمیانه به درآمدهای نفتی و کمک‌های خارجی در بروز حرکت‌های اعتراضی منتهی به جریان بیداری اسلامی نقش عمده‌ای داشته است. جریان بیداری اسلامی با به‌چالش کشیدن موقعیت مهم‌ترین متحدان آمریکا در کشورهای نفت‌خیز، هژمونی این کشور در بازار نفت جهان را با تهدیدی بی‌سابقه روبه‌رو کرده است. اعتبار کشورهای خاورمیانه در بازارهای انرژی جهان در درجه اول از نقش

تحلیل بیداری اسلامی بر کریدورهای انرژی (شهره پیرانی، مهدی نادری و سید صالح موسوی) ۴۷۳

آن‌ها در بازار نفت ناشی می‌شود، هرچند این منطقه دارای ذخایر قابل توجهی از گاز طبیعی است؛ بنابراین ثروت آن‌ها به‌طور مستقیم به میزان سهم نفت در مقایسه با سایر انواع انرژی در تعادل انرژی جهانی در حال تحول مربوط می‌شود.

در طول این سال‌ها با افزایش شدید قیمت‌ها در دهه ۱۹۷۰ مقداری از سوخت خود را از دست داده است. با توجه به اینکه دولت‌ها بازیگران اصلی در امور بین‌الملل هستند، می‌توان بعضاً چالش‌های داخلی دولت‌هایی که از مزیت‌های اقتصادی و سیاسی بهره‌مند بوده را به‌عنوان متغیری در توسعه و استفاده جوامع بین‌الملل از این ظرفیت‌ها را عنوان داشت، بنابراین درک صحیح اقتصاد بین‌الملل مستلزم توجه به دخالت متغیرهای غیراقتصادی، به‌ویژه متغیرهای سیاست بین‌الملل است. همچنین در عرصه جهانی چه در حوزه سیاست و یا حوزه اقتصاد بین‌الملل قواعدی عمومی بر نظام حاکم بوده که بر رفتارها و جهت‌گیری‌های بازیگران تأثیر به‌سزایی دارد و از این رو می‌توان عنوان داشت که ظرفیت‌های ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی کشورها این تأثیرگذاری را به‌مراتب بیشتر می‌کند؛ بنابراین قدرت‌های بزرگ اعم از اقتصادی و سیاسی با توجه تحولات منطقه‌ای تأثیرگذار در معادلات و چالش‌های جهانی به نحوی سیاست‌های داخلی و به‌ویژه سیاست‌های بین‌المللی خود را در راستای این چالش‌ها تنظیم و هماهنگ داشته تا کمترین خسارات و یا بیشترین سود را از این تحولات مورد بهره‌مندی قرار دهند.

تحولات بیداری اسلامی افزون بر آثار مختلف در حوزه سیاست داخلی کشورها، تأثیرات عمیقی بر محیط امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی به‌جا گذاشته است. صرف‌نظر از این تبعات، آنچه بیشتر رخ می‌نماید موضع‌گیری‌های متفاوت بازیگران جهانی در مورد این تحولات و کشورهای بستر آن‌هاست؛ بر این اساس، هر یک از دولت‌ها بنابر منافع ملی و اهداف سیاست خارجی خود، جهت‌گیری متفاوت و بعضاً چندگانه و متناقضی در مواجهه با این قیام‌ها اتخاذ کرده‌اند. شواهد موجود نشان می‌دهد که بیداری اسلامی، تغییرات قابل توجهی را در روابط سیاسی بین کشورها به‌وجود آورده است.

به هر حال در یک بررسی کلی می‌توان عنوان کرد که بیداری اسلامی حداقل اختلال در

بازار نفت ایجاد کرده است زیرا تولیدکنندگان خلیج فارس و عمدتاً عربستان سعودی، خسارات ناشی از عرضه نفت را جبران کرده‌اند. از نظر اقتصادی، اختلالات تا حد زیادی محدود به کشورهای درگیر در رویدادهای بیداری اسلامی بوده است و کمتر سیستم انرژی نظام بین‌المللی را به چالش کشیده است.

منابع

- ابراهیمی کیایی، هادی (۱۳۹۳)، *نسبت انقلاب اسلامی با بیداری اسلامی (تونس و مصر)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- اسلامی، مسعود و غریبی، محسن (۱۳۹۷)، «ژئواکونومی نوین انرژی و پیامدهای آن برای امنیت انرژی جهان»، *فصلنامه سیاست خارجه*، (۲)، ۷۱-۱۰۲.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۸)، «دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، *نشریه علمی دانش سیاسی*، (۲)، ۵-۴۰.
- پوراحمدی، حسین و حسینی کرانی، سید رسول (۱۳۸۸)، «ژئوپلیتیک کشورهای نفتی خلیج فارس و چالش‌های جهانی شدن اقتصاد ایران، عربستان، کویت، امارات متحده عربی، قطر و عراق»، *فصلنامه ژئوپولیتیک*، (۱)، ۵-۱۰۲-۱۳۶.
- تایب، سعید (۱۳۸۸)، *هم‌گرایی منطقه‌ای در خلیج فارس و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، **پایان‌نامه** دانشگاه مفید.
- سالنامه آماری کشور، سازمان بین‌المللی، سازمان کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت، اوپک، ر.پ.*
- طاهرزاد، یدالله (۱۳۹۵)، *تأثیر دیدگاه‌های امام خمینی (ره) در بیداری اسلامی خاورمیانه*، پایان‌نامه، دانشگاه مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- عسگرخانی، ابو محمد (۱۳۹۰)، *الزامات عملیاتی و مفهومی تدوین دیپلماسی انرژی، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها*، شماره ۳، تهران: مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
- عظیمی دولت‌آبادی، امیر (۱۳۹۵)، «انقلاب‌های عربی: مطالعه‌ای تطبیقی تاریخی (دلالت‌هایی نظری درباب نظریه‌های متأثر از انقلاب اسلامی)»، *مطالعات اجتماعی ایران*، (۱)، ۱۰-۱۳۷-۱۶۲.
- کریمی، محمد (۱۳۹۳)، *مبانی نظری جریان شیعی در بیداری اسلامی بحرین*، پایان‌نامه دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- گردآوری داده‌ها: مرکز تحقیقات و سیاست اقتصاد انرژی، دانشگاه هریوت وات، ceerp.hw.ac.uk.

تحلیل بیداری اسلامی بر کریدورهای انرژی (شهره پیرانی، مهدی نادری و سید صالح موسوی) ۴۷۵

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، ویراست چهارم، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، *مسائل محوری در تئوری اجتماعی: کنش، ساختار و تناقض در تحلیل اجتماعی*، ترجمه محمد رضایی، تهران: نشر سعاد.
- مرادپور دهنوی، امیرحسین (۱۳۹۹)، «درآمدی بر مراحل بیداری اسلامی در جهان اسلام»، *مطالعات بیداری اسلامی*، (۱۸)، ۸۵-۱۱۲.
- مطلبی، مسعود (۱۳۹۹)، «نظریه بیداری اسلامی و نظریه‌های رقیب؛ استنتاج بهترین تبیین در تحلیل تحولات خاورمیانه عربی»، *مطالعات بیداری اسلامی*، (۱)، ۹-۸۳-۱۰۹.
- ملکی، عباس (۱۳۹۳)، *سیاست‌گذاری انرژی*، تهران: نشر نی.
- میرترابی، سعید، (۱۳۹۶)، *بیداری اسلامی و اقتصاد سیاسی نفت خاورمیانه*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)

وحید محمدی، وحید؛ مظفری شمسی، هاجر، فریدون اسعدی (۱۳۹۸)، «بررسی ارتباط متقابل رشد اقتصادی، مصرف انرژی و توسعه انسانی در کشورهای منتخب حوزه منا»، *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران*، (۳۰)، ۸-۱۵۳-۱۸۴.

References

- Asgarkhani, A. M. (2019), *Operational and Conceptual Requirements of Developing Energy Diplomacy, Perspectives and Analyzes*, No. 3, Tehran: Institute of International Energy Studies (In Persian).
- Azimi Daulatabadi, A. (2015) Arab revolutions: a comparative historical study (theoretical implications of the theories influenced by the Islamic revolution), *Social Studies of Iran*, 10 (1), 137-162 (In Persian).
- BP (2016), *BP Statistical Review of World Energy 2016* BP (2017), *BP Statistical Review of World Energy 2017*, June, <http://www.bp.com/statisticalreview>
- Christopher Coats (2012), *Algeria Pledges Energy Diversification but New Law Narrows Focus*, Forbes.
- Data collection: *Center for Energy Economics Research and Policy*, Heriot-Watt University, ceerp.hw.ac.uk (In Persian).
- Ebrahimi Kiapi, H. (2013), *The relationship between the Islamic revolution and Islamic awakening (Tunisia and Egypt)*, master's thesis in the field of political science, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University, autumn (In Persian).
- EIA–Energy Information Administration (2011), *World Shale Gas Resources: An Initial Assessment of 14 Regions Outside the United States*, Washington, EIA, 5 April, https://www.eia.gov/analysis/studies/worldshalegas/archive/2011/pdf/fullreport_2011.pdf.
- Giddens, A. (2001), *Sociology*, translated by Hasan Chavoshian, 4th edition. Tehran: Ney Publishing (In Persian).
- Giddens, A. (2006), *Central Issues in Social Theory: Action, Structure and Contradiction in Social Analysis*, translated by Mohammad Rezaei, Tehran: Saad Publishing (In Persian).
- IEA–International Energy Agency (2012), *World Energy Outlook 2012*, <https://doi.org/10.1787/weo2012-en>.
- IEA (2017a), *Gas 2017: Analysis and Forecasts to 2022*, https://doi.org/10.1787/gas_mar-2017-en IEA (2017b), *World Energy Outlook 2017*, <https://doi.org/10.1787/weo-2017-en>

- Karimi, M. (2013), *The theoretical foundations of the Shiite movement in the Islamic awakening of Bahrain*, Thesis of the Islamic Azad University, Science and Research Department (In Persian).
- Maggie, H. (2014), *Egypt in Energy Crisis as Elections Approach*, Associated Press.
- Manfred Hafner, Simone Tagliapietra and El Habib El Elandalousi, "Outlook for Oil and Gas in Southern and Eastern Mediterranean Countries", *MEDPRO Technical Report*, No. 18, October 2012.
- Menichetti, Emanuela and Abdelghani El Gharras (2017), *How Can Renewable Energy Help Contribute to the Development of the MENA Countries?*, in MENARA Future Notes, (6) (July), <http://www.menaraproject.eu/?p=962>.
- Mirzaei, P. (2021), *Geostrategic scrutiny on the construction of a new energy corridor*, <https://www.nournews.ir/>
- Muradpour Dehnavi, A. H. (2019), Introduction to Islamic Awakening in the Islamic World, *Islamic Awakening Studies*, (18), 85-112 (In Persian).
- Mutalabi, M. (2019), Islamic awakening theory and competing theories; inferring the best explanation in the analysis of developments in the Arab Middle East, *Islamic Awakening Studies*, 9 (1), 83- 109 (In Persian).
- Maleki, A. (2014), *Energy Policy*, Tehran, Ney Publishing (In Persian).
- Mirtrabi, S. (2016), *Islamic Awakening and Political Economy of Middle Eastern Oil*, Tehran, Publisher: Imam Sadiq University (AS) (In Persian).
- Nicolò, S. (2012), "The European Commission's Policy Towards the Southern Gas Corridor: Between National Interests and Economic Fundamentals", *IAI Working Papers*, (1).
- Richard, Y. (2007), *Europe's External Energy Policy: Between Geopolitics and the Market*, CEPS Working Document, (278).
- Richard, R. (2011), *Libya: A Very Long War over Competing Energy Interests*, Foreign Policy Journal.
- Pourahmadi, H. & Hosseini Karani, S. R. (2018), "Geopolitics of the oil countries of the Persian Gulf and the challenges of the globalization of the economy of Iran, Saudi Arabia, Kuwait, the United Arab Emirates, Qatar and Iraq", *Geopolitics Quarterly*, 5 (1), 102-136 (In Persian).
- Pourahmadi, H. (1388). Energy diplomacy and national interests of the Islamic Republic of Iran. *Scientific Journal of Political Science*, 5 (2), 5-40. (In Persian).
- Sartori, N. (2014) *The Mediterranean Energy Relations after the Arab Spring: Towards a New Regional Paradigm?*, open edition Journal,
- Stevens, P. (2011) *The 'Arab Spring' and Oil Markets*, EXPERT COMMENT 25 FEBRUARY 2011 2 MINUTE READ,
- Statistical yearbook of the country, international organization, Organization of Petroleum Exporting Countries, OPEC, R.P. (In Persian).
- Taherenjad, Yadullah (2015) *The impact of Imam Khomeini's views on the Islamic awakening of the Middle East*, Thesis, Qom Seminary Management Center University,
- Taib, Saeed (2008) *Regional convergence in the Persian Gulf and the foreign policy of the Islamic Republic of Iran*, Mofid University thesis. (In Persian).
- Vahid Mohammadi, Vahid; Mozafari Shamsi, Hajar, Fereydoun Asaadi (2018) *Investigating the interrelationship between economic growth, energy consumption and human development in selected countries of the MENA region*, *Iran Energy Economy Research Journal*, 8 (30), 153-184 (In Persian).
- Zaid Eyadat (2012), *The Arab Revolutions of 2011: Revolutions of Dignity*, in Stephen Calleya and Monika Wohlfeld *Change and Opportunities in the Emerging Mediterranean*, Malta, Gutenberg Press, 3-19.